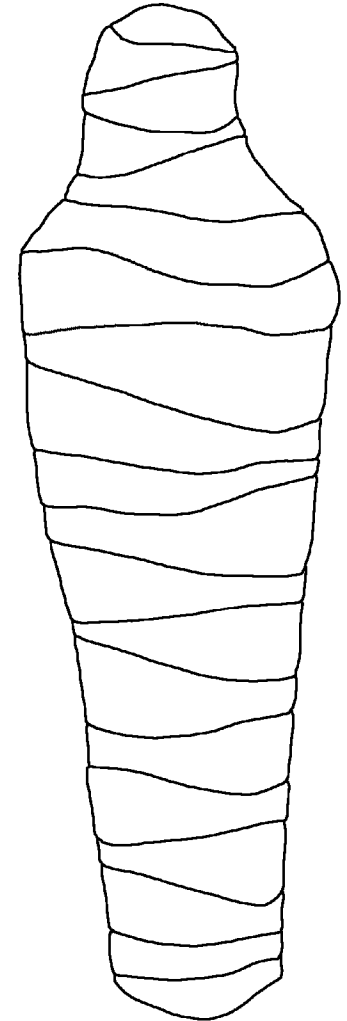


کتاب مقدس برای کودکان
تقدیم می کند

عیسی و
ایلعازر



نویسنده: Edward Hughes

طراحی تصاویر: Janie Forest

Alastair Paterson

بازگویی از: Ruth Klassen

ترجمه شده توسط: آرمین باقری

ناشر: Bible for Children

www.M1914.org

©2021 Bible for Children, Inc.

حق چاپ: شما اجازه دارید که این داستان‌ها را کپی و یا چاپ
نمایید به شرط آن که رایگان توزیع شود.



مریم و مارتا بسیار نگران بودند. برادر

آنها "ایلعازر" بیماری سختی داشت.

خواهرها می دانستند که او به

زودی میمیرد، از همین

رو آنها شخصی را به

دنبال عیسی فرستادند،

زیرا عیسی این خانواده

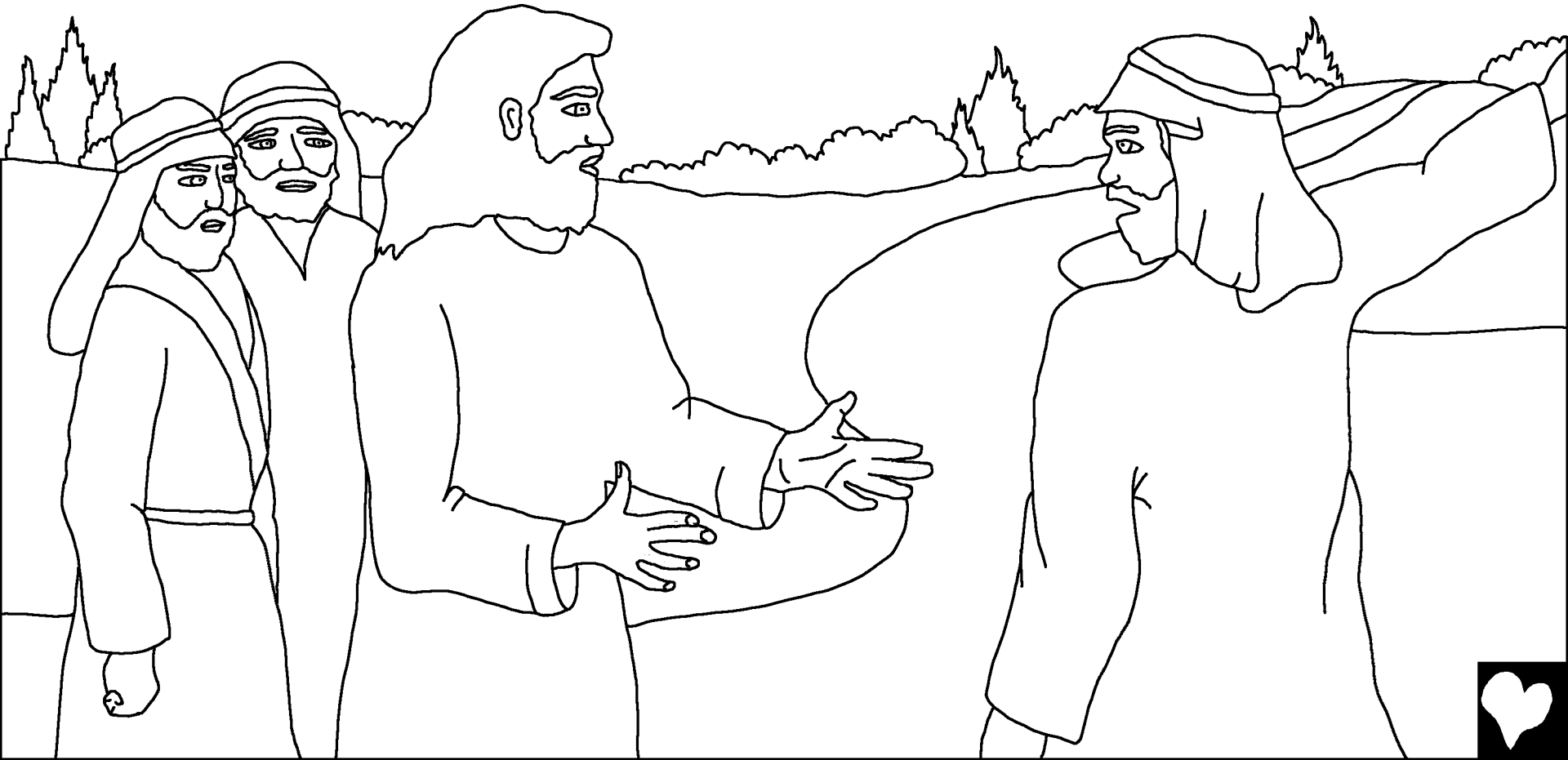
کوچک



را دوست
می داشت.



وقتی که عیسی درباره بیماری ایلعازر شنید به شاگردان خود گفت: «این بیماری به مرگ ختم نمی‌شود» با اینکه عیسی کیلومترها از آنها دور بود ولی او دقیقا میدانست که چه اتفاقی برای ایلعازر رخ خواهد داد.



عیسی دو روز دیگر در آنجا ماند و قبل از حرکت او جمله
ای گفت که مانند یک معما برای شاگردان بود « ایلعازر
مرده است و من خوشحالم که آنجا نبودم، تا شما
ایمان آورید.» این جمله

عیسی چه معنی
داشت؟

او چه
نقشه
ای در
سر داشت؟



وقتیکه عیسی به بیت عنیا
رسید، ایلعازر چهار روز
بود که مُرده
بود. بدن او
را در گفن

پیچیده
و در
قبر
گذاشته بودند.



مارتا به استقبال عیسی رفت. عیسی تا مارتا را دید به او گفت: «برادرت دوباره بر خواهد خواست.» مارتا پاسخ داد: «می‌دانم در روز قیامت او برمیخیزد.» او تصور میکرد که تا روز قیامت باید صبر کند تا دوباره برادر خود را ببیند. اما



منظور
عیسی چیز
دیگری بود.





عیسی به مارتا گفت: «من قیامت
و حیات هستم. هر کسی که
به من ایمان بیاورد، حتی اگر
مرده باشد زنده خواهد شد.»

مارتا به عیسی ایمان
داشت، او می دانست


که عیسی پسر
خداست. اما او

چطور می توانست
به ایلعازر
کمک کند؟



همه از مرگ ایلعازر ناراحت بودند. خواهر او "مریم" مدام
گریه می کرد و دوستانش سعی می کردند تا او را آرام کنند،
چون عیسی گریه مریم را
دید، او نیز گریه کرد.





عیسی به همراه
مردم به سوی قبر
رفت. یک سنگ بسیار
بزرگ جلوی در
ورودی قبر گذاشته
بودند.



عیسی فرمان داد تا سنگ را کنار بزنند.

مارتا گفت: «سرورم، برادرم

چهار روز است که مرده

است و اکنون جنازه او

بوی تعفن

می دهد.»




به فرمان
عیسی مردانی که
همراه او بودند سنگ
را برداشتند. سپس عیسی
نزد پدر آسمانی دعا کرد.
او در حال انجام یک معجزه
بزرگ بود تا مردم ایمان
بیاورند که او فرستاده
خداست.



عیسی فریاد زد:
«ایلعازر، بیرون بیا.»
مردم به ورودی غار
چشم دوخته بودند و
با خود می گفتند: «آیا
عیسی می تواند مُرده ای
را زنده کند؟»





بله!
ایلعازر در
حالیکه در
گفن بود از
غار بیرون
آمد.



عیسی به آنها گفت: «دست
و پاهایش را باز کنید و
اجازه دهید برود.»



این کار لذت بخشی بود، گریه به خنده
تبدیل شد. عیسی کلام خود را ثابت کرد که
گفته بود ایلعازر زنده خواهد شد. تنها
پسر خدا بود که میتوانست به
یک مُرده حیات دوباره ببخشد.



مردمان زیادی که این معجزه را دیدند به عیسی ایمان آوردند. اما برخی نزد سران کاهنان رفته و کار عظیم عیسی را به آنها گفتند. سپس سران کاهنان به مشورت نشستند و نقشه قتل عیسی را کشیدند. عیسی وقتی که از نقشه آنها آگاه شد برای مدتی آنجا را ترک کرد.



عیسی و ایلعازر

داستانی از کلام خدا، یعنی کتاب مقدس

بر اساس

یوحنا ۱۱

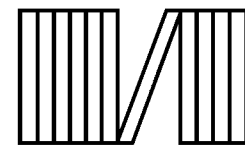
"کشف کلام تو نور می‌بخشد."

مزمور ۱۱۹: ۱۳۰



پایان

52



60



داستانهای کتاب مقدس با ما در بارهٔ خدایی صحبت می‌کنند که ما را
آفرید و ارادهٔ او این است که شما نیز او را بشناسید.

خدا می‌داند که ما کارهای بدی انجام داده‌ایم کارهایی که او آنها را گناه می‌خواند.
مجازات گناه مرگ است، اما خدا جهانیان را آن قدر محبت نمود که پسر یگانهٔ
خود را فرستاد تا بر روی صلیب به خاطر بخشش گناهان ما بمیرد. عیسی مسیح
پس از مرگ دوباره زنده شد و به آسمان بالا رفت. اگر تو به عیسی ایمان بیاوری
و از او بخواهی که گناهان تو را ببامزد، او تو را خواهد بخشید و وارد قلب تو
خواهد شد و تو برای همیشه با او زندگی خواهی کرد.

اگر به این حقیقت ایمان داری، از صمیم قلب این دعا را بکن: عیسیای عزیز من
ایمان دارم که تو خدا هستی، و به صورت انسان به زمین آمدی تا برای گناهان
من بمیری، و اکنون زنده هستی. خواهش می‌کنم که وارد زندگی من بشوی و
گناهان مرا ببخشی تا بتوانم زندگی تازه‌ای داشته باشم و برای همیشه با تو
زندگی کنم. کمک کن تا به عنوان فرزند تو بتوانم تو را اطاعت کنم و برای تو
زندگی کنم. آمین.

کتاب مقدس را هر روز بخوان و همیشه دعا کن! انجیل یوحنا ۳: ۱۶

